

اسباب نزول

لکھنؤ فرما کریم

ترجمہ کتاب

باب النقول

فی

اسباب النزول

تألیف: جلال الدین سیوطی

تحقیق: عبد الرزاق المهدی

ترجمہ

عبد الکریم ارشد

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۸۴۹-۹۱۱ ق.
(لباب النقول فی اسباب النزول. فارسی)
اسباب نزول آیات قرآن کریم: ترجمہ کتاب لباب النقول فی اسباب النزول / تألیف جلال الدین
سیوطی؛ ترجمہ عبدالکریم ارشد۔۔ تربت جام: شیخ السلام احمد جام، ۱۳۸۲۔
۲۴۰ ص.

ISBN: 964-7701-63-2

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیہا.
۱. قرآن۔۔ شان نزول. الف. ارشد، عبدالکریم، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: لباب النقول
فی اسباب النزول. فارسی. د. عنوان: ترجمہ کتاب لباب النقول فی اسباب النزول.
۲۹۷/۱۵۲ BP ۷۰/۲/۹ ص ۲۰۴۱
۱۳۸۲

۴۱۶۲۳-۸۱ م

کتابخانہ ملی ایران



اسباب نزول

مؤلف: جلال الدین سیوطی

تحقیق: عبدالرزاق المہدی

ترجمہ: عبدالکریم ارشد

ناشر: انتشارات شیخ الاسلام احمد جام

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۴

تیراژ: ۳۰۰۰ جلد

چاپ: دقت ۳۴۱۹۵۶۰

قیمت: ۲۵۰۰۰ ریال

شابک: ۲ - ۶۳ - ۷۷۰۱ - ۹۶۴

حق چاپ محفوظ است.

مرکز پخش: تربت جام - خیابان قاضی محمد نعیم

انتشارات شیخ الاسلام - تلفن: ۲۲۲۵۲۳۸ - ۲۲۲۴۴۷۱

تَقْرِیظ

بسمه تعالی

علامه دکتور اقبال لاهوری رحمۃ اللہ علیہ می فرماید:

نقش قرآن تا در این عالم نشست نقش‌های کاهن و پاپا شکست
راست گویم آنچه در دل مضمّر است این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون که در جان شد، جان دیگر شود جان چو دیگر شد، جهان دیگر شود

بدون شک رمز و راز پیروزی اسلام بر کفر و پخش و نشر دعوت اسلامی در نیم
قرنی که قلمرو سرزمین اسلامی از شرق به چین و از قرب به اسپانیای امروزی رسید، به
فهم و عمل مسلمین به قرآن برمی گردد. شگفت آور هم نیست که در روزگار استعمار
بریطانیای کبیر، آقای چرچیل نخست وزیر آن کشور، قرآن کریم را در مجلس لردها
بلند نموده می گوید: «تا زمانی که این قرآن در میان مسلمانان باشد، استعمار کردنشان
محال است و ما باید بکوشیم قرآن را در جامعه‌های اسلامی از حیات و زندگی مردم
کنار بزنیم»

به حق که استعمار در نقشه‌اش تا اندازه زیاد توفیق یافت و امروز در جهان اسلام
بویژه کشورهای ما، مسلمانان از شناخت و فهم قرآن کریم و چه بسا از قراءت و
روخوانی آن هم عاجزند.

از این رو، هر حرکتی که در راستای احیا و زنده کردن قرآن در جان و دل این اجتماعات صورت می‌گیرد، بسیار ارزنده بوده و از ثواب و اجر عظمی برخوردار است.

امام سیوطی [۸۴۹ - ۹۱۱] از شخصیت‌های بزرگ مسلمان قرن ۹-۱۰ کسی است که در خدمات علمی و آثار گرانبایش بویژه در عرصه قرآن پژوهی از قهرمانان میدان علم و فرهنگ به شمار می‌رود که آثار ارزشمندش قرن‌ها بر روح و فکر قشر اسلام پژوه چیره بوده و از این شهکارها استفاده برده‌اند، که یکی از این آثار کتاب ارزشمند لباب النقول فی اسباب النزول است، که چنانکه در مقدمه‌اش تذکر به عمل آمده با فهم آن، دریافت مفاهیم قرآن سهل و آسان می‌شود. اما چون این کتاب به زبان عربی بوده، فهم آن برای مردم ما که با زبان عربی آشنا نیستند، دشوار بوده است.

و اینک خدا را شکر گذاریم که جناب استاد عبدالکریم ارشد فاریابی از علما و دانش پژوهان خطهٔ مرد خیز فاریاب، زحمت کشیده آن را به فارسی درآورده‌اند.

که خدا کند هرچه زودتر چاپ گردیده و در دسترس عاشقان معارف قرآنی و اسلامی قرار گیرد و این سر آغازی باشد برای کارهای بعدی‌شان. بویژه در این شرائط دشواری که مردم مسلمان افغانستان پس از سال‌ها در بدریها و مهاجرتها و جنگ‌های تحمیلی، دو باره به آغوش وطن خویش برمی‌گردند و بیش از هر زمانی به این سر چشمه‌های معارف قرآنی که دل و جان را صیقل می‌دهد و سعادت دو جهانی را برای شان به ارمغان می‌آورد نیازمندند.

دکتر عبدالله خاموش هروی

مقدمه مترجم

حمد و ستایش خدای را که با نزول آیات ملکوتی زمین را روشنایی بخشید و درود و سلام بر منجیبی عالم که با قدومش اسباب نجات بشریت را از گمراهی و تباهی فراهم ساخت و سلام و درود بر اصحاب و یاران فداکار و بخاندان پاکیزه‌اش.

بخوبی آشکار است که قرآن کریم، این کتاب مقدس آسمانی با دستورات حیات بخش و جاویدانش تحول بس بزرگ و ارزشمندی را به زندگی مادی و معنوی بشر به ارمغان آورد انسان را از گمراهی و فساد به ساحت ترقی و سعادت هدایت کرد و جهل و تاریکی را نابود و آگاهی، عدالت خواهی، آزادی و آزادگی را جاگزین نمود و با علم و حکمت، بهترین و عالی‌ترین نظام نجات بخش و قانون استوار را در سیاست و حکومت و اداره کشور برای خیر و صلاح جهانیان با خود آورد و انسان مظلوم را به مبارزه علیه استبداد و ستمگری دعوت نمود و به او آموخت که از تفرقه و گرایشهای گوناگون پرهیزد و به اطراف عقیده به خدا جمع شود.

مسلمانها از آغاز نزول این کلام الهی همواره به جنبه‌های مختلف آن به تحلیل و تفسیر پرداخته‌اند، عده‌ای اعجاز علمی آن را بیان داشته‌اند، گروهی خصوصیات فصاحت و بلاغت آن را روشن نموده‌اند. چنانچه عده‌ای دیگری اسباب نزول تعدادی از آیه‌های آن را ذکر کرده‌اند. در این راستا یکی از دانشمندان بزرگ جهان اسلام علامه جلال الدین سیوطی اسباب نزول بسیاری از آیات را در کتاب «لباب النقول فی اسباب النزول» جمع کرده و این کتاب در سال ۱۴۲۳ تحقیق شده است. چون این کتاب به زبان عربی بود و همگان نمی‌توانستند از آن بهره ببرند، بنابراین به زبان فارسی ترجمه شد تا همگان از این کتاب پرربها در راه فهم معانی قرآن کریم استفاده کنند، خصوصاً در شرایط کنونی که مسلمانها به معارف سودمند و جامع اسلام که قرآن اساس استوارش است، بیشتر نیاز دارند. در ترجمه این کتاب کوشش شده است که شیوا و روان باشد، آیات قرآن کریم در میان () و مطالب افزون از کتاب در بین [] گذاشته شده است، نام سوره و شماره آیاتی که

به گونه شاهد آمده ذکر گردیده است، در پایان کتاب شرح حال برخی از علمای بزرگی که مؤلف با استفاده از کتب آنها اسباب نزول آیه‌ها را نوشته آورده شده است و برای استفاده بیشتر خوانندگان، مطالب مربوط به «مصطلح حدیث» که اصطلاح و مفاهیم خاص دارد در این جا تعریف و بیان شده است:

حدیث مشهور: حدیثی است که تعداد راوی‌های آن در هر طبقه سه نفر و یا بیشتر باشد و به حد قوایر نرسد.

حدیث غریب: آن است که تنها یک نفر او را روایت کرده است، اگرچه در یک طبقه باشد و بسیاری از علما حدیث غریب را حدیث فرد می‌گویند. حدیث غریب نسبت به موضع تفرد آن دو قسم است:

الف- غریب یا فرد مطلق: حدیثی است که غرابت در اصل سند آن باشد، یعنی در طبقه صحابه آن را یک نفر روایت کرده باشد.

ب - غریب یا فرد نسبی: آن است که در اصل سند، در طبقه صحابی آن را بیشتر از یک نفر روایت کند و در طبقات بعدی راوی آن تنها یک نفر باشد.

حدیث صحیح: حدیثی است که سند آن از اول تا آخر متصل و پیوست بوده و راویان عادل و ظابط آن را از مثل خود روایت کرده باشند و حدیث شاذ و معلول نباشد. این تعریف شامل پنج اصل است بایست همه اینها یکجا باشند که حدیث صحیح گردد.

الف- اتصال سند: اتصال سند به این معناست که تمام راویان یک حدیث از اول تا آخر سند، حدیث را شخصاً از استاد خود آموخته باشند.

ب - عدالت راوی: راوی مسلمان، عاقل، بالغ و پیرو حق و صلاح بوده و از ساحت مردانگی برکنار نباشد.

ج - ضبط راوی: تمام راویان یک حدیث دارای ضبط تام باشند، آنچه بر آنها روایت شده در حافظه خود یا کتاب به کمال درستی حفظ کنند.

د - عدم شذوذ: حدیث شاذ آن است که راوی ثقه با ثقه‌تر از خود مخالفت کند.

هـ- معلول: علت سبب غامض و پوشیده‌ای است که در صحت حدیث طعن وارد کند

با آن که به ظاهر، سند از آن چیزها سالم به نظر بیاید، مانند این که حدیث مرسل را موصول و موقوف را مرفوع بیاورند.

حدیث حسن: حسن حدیثی است که سند آن تا آخر متصل و پیوست باشد و راوی عادل با ضبط کمتر آن را از مثل خود روایت کند، بدون شذوذ و علت.

حسن صحیح: به این معناست که حدیث به دو اسناد یا بیشتر روایت شده که یکی مقتضی حسن است و دیگری مقتضی صحت، پس همین حدیث به اعتبار یک اسناد صحیح و به اعتبار اسناد دیگر حسن است.

حدیث مرفوع: آن است که به رسول خدا (ﷺ) نسبت داده شود، از گفتار یا کردار یا اعمالی که به حضور مبارک انجام شده و یا صفتی، سند آن متصل باشد یا منقطع یکسان است. حدیث موقوف: به اصطلاح محدثین سخن یا عمل و یا تقریری است که به صحابه نسبت داده شود خواه سند آن متصل باشد یا منقطع.

حدیث مقطوع: به اصطلاح محدثین سخن و عملی است که به تابعی و یا پایین‌تر از آن نسبت داده شود.

مُسْنَد: حدیثی است که زنجیره اسناد آن از اول تا آخر متصل بوده و به پیامبر برسد. حدیث متصل: آن است که در سلسله سند آن تمام راویها پی‌درپی یاد شده باشند خواه این سند مرفوع باشد یا موقوف.

حدیث مقبول: آن است که صدق راوی آن بر تبری و رجحان داشته باشد. حکم حدیث مقبول: استدلال و عمل بر آن واجب است.

حدیث معلق: در اصطلاح حدیثی است که از ابتدای سند آن یک راوی یا بیشتر پی‌درپی حذف شده باشد.

معلق چندین صورت دارد از جمله: تمام سند حذف شود، مثل این که بگوید: رسول خدا چنین گفت. یا تمام سند به جز صحابی و یا صحابی و تابعی حذف شود.

حدیث مرسل: حدیثی است که از سلسله سند آن صحابی افتاده باشد. ابن حجر در شرح نخبه گفته است: صورت مرسل آن است که تابعی بگوید: پیامبر خدا

چنین گفت. یا چنین کرد یا به حضور مبارک چنین عملی انجام شد. یا مانند اینها. حاکم، ابن صلاح و جمهور محدثین مرسل را مختص به تابعی می‌دانند ولی جمهور فقها و اصولیین عامتر از این می‌دانند که هر نوع انقطاع از سند مرسل نامیده می‌شود.

حدیث مُفَضَّل: آن است که از وسط اسناد آن دو راوی یا بیشتر پی‌درپی بیفتد، راوی حدیث دو راوی یا بیشتر از دو راوی را انداخته باشد که انقطاع سند شدید و وصل آن دشوار گردد.

حدیث مُنْقَطِع: حدیثی است که از سلسله اسناد آن یک راوی و یا بیشتر بیفتد خواه این انقطاع از اول اسناد باشد یا از وسط و یا از آخر ولی پی‌درپی نباشد.

مُدَّلس: آن است که اسناد آن با تحسین ظاهری دارای عیب نهانی باشد.

حدیث ضعیف: در اصطلاح محدثین آن است که صفات حدیث حسن در آن کامل نباشد به سبب فقدان یکی از شرایط حسن.

حدیث مَرْدُود: آن است که صدق راوی آن برتری و رجحان نداشته باشد. حکم مردود: عمل و استدلال بر آن جایز نیست.

مَثْرُوک: حدیثی است که در اسناد آن راوی متهم به دروغگویی باشد. یکی از این دو امر سبب اتهام راوی به دروغگویی است:

- الف- این حدیث تنها از طریق او روایت شده و مخالف قاعده‌های شناخته شده باشد.
- ب- بگفتار عادی به دروغگویی شهره بوده اما در حدیث نبوی کذب آن آشکار نباشد.
- حدیث مُنْکَر: علما منکر را چندین تعریف کرده‌اند که مشهورترین آنها این است.
- الف- حدیث منکر حدیثی است که خطا و اشتباه یکی از راوی‌های آن از حد افزون، فراموشی و غفلتش بسیار و یا فسقش آشکار باشد.

ب- حدیث منکر آن است که راوی ضعیف، مخالف ثقات روایت کند.

این تعریفی است که ابن حجر ذکر و بدان اعتماد کرده است، در این تعریف قید «مخالفت ضعیف به روایت ثقة» به تعریف اول زیاد شده است.

حدیث مَعْرُوف: حدیثی است که راوی ثقة مخالف راوی ضعیف روایت کند.

حدیث مُعَلَّل: حدیثی است که در آن علتی یافت شود که به صحت حدیث طعن وارد کند با آن که به ظاهر، حدیث از آن طعن سلامت به نظر بیاید.

حدیث مُدْرِج: حدیثی است که سیاق اسناد آن تغییر داده شود یا کلماتی که از متن نیست به آن داخل کرده شود.

حدیث مُضْطَرَب: مضطرب در لغت متحرک و موج، تباه و پریشان.

در اصطلاح: حدیثی است که به اشکال متفاوت خلاف یکدیگر روایت شده باشد بدانگونه که موافقت بین آنها ممکن نباشد و همه آن روایت‌ها در قوت برابر باشند.

مضطرب مطابق محل اضطراب آن دو قسم است: اضطراب در سند و اضطراب در متن.

حدیث شاذ: آن است که راوی ثقة با ثقة‌تر از خود مخالفت کند بدین ترتیب که در روایت ثقة زیادت یا نقصی دیده شود که در روایت ثقة‌تر از او چنین نبود، طوری که بسین این دو مسأله مورد اختلاف جمع و توافق ممکن نباشد.

شاذ مردود: حدیث شاذی که راوی آن ثقة نباشد.

سند: در لغت آنچه به آن اعتماد کنند چون حدیث قابل اعتماد و استناد است به این نام یاد شد.

در اصطلاح محدثین: سلسله زنجیره‌ای راویان حدیث است.

اسناد: اسناد دو معنی دارد.

الف- نسبت دادن حدیث است به گوینده آن.

ب- مرادف سند است.

حدیث مُسْنَد: مسند به اصطلاح محدثین به سه معنی آمده است.

الف- کتابی است که در آن روایت‌های هر صحابی جداگانه جمع کرده شود صرف نظر از این که حدیث مربوط به کدام موضوع است. مثل: مسند امام احمد حنبل.

ب- حدیث مسند: که تعریف آن گذشت.

ج- گاهی از آن سند مراد است در این صورت مصدر میمی است.

سنن: کتابی است که تنها احادیث احکام به ترتیب ابواب فقه در آن مرتب شود تا در استنباط احکام مأخذ و مصدر برای فقها باشد. مثل: سنن ابو داود.

جامع: کتابی است که در آن مؤلف تمام ابواب حدیث را از عقاید، عبادات معاملات، سیر، مناقب، فتن و اخبار روز قیامت جمع می‌کند. مانند: جامع صحیح بخاری. شاهد: در اصطلاح محدثین آنست که یک صحابی متنی را روایت کند که در لفظ و معنی با روایت صحابی دیگر مشابه باشد و یا تنها در معنی شبیه هم باشند. متابع: حدیثی است که راوی به زوایت حدیث در لفظ و معنی و یا تنها در معنی با غیر خود مشارکت کند و در طبقه صحابه متحد باشند، تابع هم نامیده می‌شود. تصحیف: آن است که لفظ یا معنای یک کلمه از حدیث را خلاف روایت ثقات تغییر بدهند. ثقه: راوی ظابط و عادل است.

راوی مجهول: به اصطلاح محدثین کسی است که خود او یا صفاتش شناخته نشود و یا شخصیت آن شناخته شود اما از عدالت و ضبط آن چیزی دانسته نشود. طبقات روات: صحابه، تابعی، اتباع تابعی و تابع اتباع.

امام ترمذی اصطلاح «از همین وجه غریب است» را به ایحادی به کار می‌برد که غرابت در اسناد آن است نه در متن آن، مانند این که متن یک حدیث را جماعتی از صحابه روایت کرده باشند و همین حدیث را تنها یک نفر، از صحابه دیگر روایت کند. صحابه: صحابه کسی است که پیامبر خدا را در حال اسلام دیده و به اسلام از جهان رفته است. تعداد اصحاب دقیق معلوم نیست اما از گفتار علما معلوم می‌شود که شمار آنها از صد هزار افزون است. چنانچه ابو زرعۀ رازی می‌گوید: هنگامی که پیامبر خدا از جهان رفت تعداد اصحاب که از او (ﷺ) شنیده و روایت کرده‌اند به یکصد و چهارده هزار می‌رسید.

تابعی: مسلمانی است که با صحابی ملاقات کرده و مسلمان از جهان رفته باشد.^۱ از خدای بزرگ تمنا دارم که این عمل حقیر را از بنده پذیرفته و توفیق عمل به قرآن کریم را نصیب من و کافۀ امت اسلامی بگرداند و ما ذالک علی الله بعزیز.

۱۳۸۳/۹/۱۶ مشهد

عبد الکریم ارشد

فهرست مطالب

۲۴۵ سورة مؤمنون ۲۶	۱. تقریظ دکتر خاموش هروی ۵
۲۴۷ سورة نور ۲۷	۲. مقدمه مترجم ۷
۲۶۳ سورة فرقان ۲۸	۳. ثنا و ستایش ۱۳
۲۶۶ سورة شعراء ۲۹	۴. مقدمه مؤلف ۱۴
۲۶۷ سورة قصص ۳۰	۵. سورة بقره ۱۹
۲۶۹ سورة عنكبوت ۳۱	۶. سورة آل عمران ۷۵
۲۷۲ سورة روم ۳۲	۷. سورة نساء ۹۷
۲۷۴ سورة لقمان ۳۳	۸. سورة مائده ۱۳۶
۲۷۶ سورة سجده ۳۴	۹. سورة انعام ۱۵۹
۲۷۷ سورة احزاب ۳۵	۱۰. سورة اعراف ۱۶۷
۲۹۳ سورة سبا ۳۶	۱۱. سورة انفال ۱۶۹
۲۹۴ سورة فاطر ۳۷	۱۲. سورة توبه ۱۸۵
۲۹۵ سورة يس ۳۸	۱۳. سورة یونس ۲۰۵
۲۹۷ سورة صافات ۳۹	۱۴. سورة هود ۲۰۶
۲۹۸ سورة ص ۴۰	۱۵. سورة یوسف ۲۰۸
۲۹۹ سورة زمر ۴۱	۱۶. سورة رعد ۲۰۹
۳۰۳ سورة غافر ۴۲	۱۷. سورة ابراهیم ۲۱۱
۳۰۴ سورة فصلت ۴۳	۱۸. سورة حجر ۲۱۱
۳۰۶ سورة شوری ۴۴	۱۹. سورة نحل ۲۱۳
۳۰۷ سورة زخرف ۴۵	۲۰. سورة اسراء ۲۱۸
۳۰۹ سورة دخان ۴۶	۲۱. سورة كهف ۲۳۱
۳۱۰ سورة جائیه ۴۷	۲۲. سورة مریم ۲۳۵
۳۱۱ سورة احقاف ۴۸	۲۳. سورة طه ۲۳۶
۳۱۴ سورة محمد ۴۹	۲۴. سورة انبیاء ۲۳۸
۳۱۵ سورة فتح ۵۰	۲۵. سورة حج ۲۳۹

۳۷۱..... ۸۰. سورة عبس	۳۱۸..... ۵۱. سورة حجرات
۳۷۱..... ۸۱. سورة تكوير	۳۲۶..... ۵۲. سورة قی
۳۷۲..... ۸۲. سورة انفطار	۳۲۷..... ۵۳. سورة ذاریات
۳۷۲..... ۸۳. سورة مطففین	۳۲۸..... ۵۴. سورة طور
۳۷۳..... ۸۴. سورة طارق	۳۲۹..... ۵۵. سورة نجم
۳۷۳..... ۸۵. سورة اعلی	۳۳۰..... ۵۶. سورة قمر
۳۷۴..... ۸۶. سورة غاشیه	۳۳۱..... ۵۷. سورة رحمن
۳۷۴..... ۸۷. سورة فجر	۳۳۲..... ۵۸. سورة واقعہ
۳۷۵..... ۸۸. سورة لیل	۳۳۳..... ۵۹. سورة حدید
۳۷۷..... ۸۹. سورة ضحی	۳۳۶..... ۶۰. سورة مجادلہ
۳۷۹..... ۹۰. سورة شرح	۳۴۰..... ۶۱. سورة حشر
۳۷۹..... ۹۱. سورة تین	۳۴۳..... ۶۲. سورة ممتحنہ
۳۸۰..... ۹۲. سورة علق	۳۴۷..... ۶۳. سورة صف
۳۸۱..... ۹۳. سورة قدر	۳۴۸..... ۶۴. سورة جمعہ
۳۸۲..... ۹۴. سورة زلزلہ	۳۴۹..... ۶۵. سورة منافقون
۳۸۲..... ۹۵. سورة عادیات	۳۵۱..... ۶۶. سورة تغابن
۳۸۲..... ۹۶. سورة تکاثر	۳۵۲..... ۶۷. سورة طلاق
۳۸۳..... ۹۷. سورة همزہ	۳۵۴..... ۶۸. سورة تحریم
۳۸۴..... ۹۸. سورة قریش	۳۵۷..... ۶۹. سورة قلم
۳۸۴..... ۹۹. سورة ماعون	۳۵۹..... ۷۰. سورة حاقہ
۳۸۴..... ۱۰۰. سورة کوثر	۳۵۹..... ۷۱. سورة معارج
۳۸۶..... ۱۰۱. سورة کافرون	۳۶۰..... ۷۲. سورة جن
۳۸۷..... ۱۰۲. سورة نصر	۳۶۳..... ۷۳. سورة مزمل
۳۸۸..... ۱۰۳. سورة مسد	۳۶۴..... ۷۴. سورة مدثر
۳۸۹..... ۱۰۴. سورة إخلاص	۳۶۷..... ۷۵. سورة قیامت
۳۹۰..... ۱۰۵. سورة فلق	۳۶۸..... ۷۶. سورة انسان
۳۹۰..... ۱۰۶. سورة ناس	۳۶۹..... ۷۷. سورة مرسلات
۳۹۲..... ۱۰۷. شرح حال مؤلف و...	۳۶۹..... ۷۸. سورة نبأ
۳۹۹..... ۱۰۸. فهرست مطالب	۳۷۰..... ۷۹. سورة نازعات